

فصلنامه علمی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»
سال هفتم، شماره دوم (تابستان ۱۳۹۸)

مقاله علمی - پژوهشی

بینامتنیت قرآنی در طرب‌المجالس بر اساس نظریه ژرار ژنت**

الهام خدابخشی^۱

مریم محمودی^۲

پریسا داوری^۳

چکیده

بینامتنیت یکی از مباحث نوین در نقد جدید است که به ارتباط و تعامل بین متون می‌پردازد. بر اساس این نظریه، متون و گویندگان آنها از یکدیگر متأثر هستند و آگاهانه و یا ناخودآگاه از سرچشمه‌های ادبی و فکری یکدیگر بهره‌مند شده‌اند. استفاده از مفاهیم و تعلیمات قرآنی از دیرباز در بین شاعران و نویسندگان فارسی زبان برای اعتبار و غنای سخن خویش مرسوم بوده است. جنبه‌های ادبی و بلاغی قرآن همراه با مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی آن باعث این توجه شده است. طرب‌المجالس یکی از آثار نثر فارسی در قرن هشتم است. دوره‌ای که به واسطه تأثیر قرآن و حدیث و ادبیات عرب بر ادبیات فارسی، یکی از قابل توجه‌ترین دوران است. نویسنده کتاب توانسته با استفاده از آیات و احادیث کتاب را به گونه‌ای اخلاقی و آموزنده تحریر کند. انس و آشنایی هروی با قرآن و معارف دینی و عرفانی در تمام این اثر به چشم می‌خورد. نویسندگان این مقاله برآنند که با شیوه توصیفی - تحلیلی و روش نقد بینامتنیت ژرار ژنت این ویژگی طرب‌المجالس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو نوع بینامتنیت صریح و ضمنی در طرب‌المجالس دیده می‌شود. بیشترین بهره نویسنده از بینامتنیت صریح است که به شکل اقتباس از آیات قرآن به اشکال و دلایل مختلف صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: طرب‌المجالس، آیات قرآن، بینامتنیت، ژرار ژنت.

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.

۲- نویسنده مسئول: دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

m.mahmoodi 75@ yahoo.com

parisa.davarii@gmail.com

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران.

مقدمه

نظریهٔ بینامتنیت (intertextuality) از مهم‌ترین نظریات ادبی و فلسفی قرن بیستم است که با نام ژولیا کریستوا (Julia Kristeva) گره خورده است. این اصطلاح نخستین بار توسط ژولیا کریستوا از دههٔ ۱۹۶۰ مطرح شد و سپس کسانی چون رولان بارت و ژرار ژنت، به اصلاح و گسترش این نظریه پرداختند. (آلن، ۱۳۸۰: ۱۲۹) کریستوا معتقد بود: «هر متنی همچون معرق از نقل قولها ساخته می‌شود و هر متنی به منزلهٔ جذب و دگرگون سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴). در این حوزه نظریه‌های فردینان دوسوسور و چالز سندرس پیرس هم قابل توجه است.

از نظر ژرار ژنت نظریه‌پرداز و منتقد برجستهٔ فرانسوی، بینامتنیت به خوانش یک متن یا یک اثر هنری در راستای متون دیگر می‌پردازد و با این روش تأثیری را که متن‌های جدید در خلق آثار جدید می‌گذارند، مورد توجه قرار می‌دهد. «بر اساس این نظریه، هیچ متن مستقلی وجود ندارد؛ بلکه هر متنی برخاسته و شکل یافته از متون پیش یا معاصر خود است. به این ترتیب، هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست، بلکه اثر او بازخوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران خود می‌باشد. با چنین رویکردی به متون، می‌توان گفت که یک اثر ادبی ریشه در نظام درهم‌تنیدهٔ متون مختلف داشته و آفرینندهٔ خاصی ندارد. اگرچه مفهوم بینامتنیت در گفتمان نقدی و بلاغی قدیم با نام‌های دیگری همچون نقائص، معارضات، تضمین، اقتباس، سرقت‌های ادبی و ... موجود است، ولی این نظریه در گفتمان نقد جدید با مباحث فوق کاملاً متفاوت است؛ زیرا در این‌گونه مباحث بیشتر جنبه منفی آنها مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ در حالی که در نظریهٔ بینامتنی، جنبه‌های مثبت آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که بر اساس آن، فهم متون بهتر و دقیق‌تر خواهد شد؛ به این معنی که با پژوهش‌های بینامتنی، بهتر و دقیق‌تر می‌توان از متون بهره برد» (رنجبر و عربی، ۱۳۹۰: ۲)

بینامتنیت در مورد روابط میان متون به کار برده شد بدان معنا که هیچ متن جدید و مستقل از متون دیگر وجود ندارد و هر متن برای شکل‌گیری نیازمند منابع گوناگونی است که در آن پنهان است. بدین ترتیب هر متنی، برآمده از متن‌های پیش از خود است و در متن‌های بعد از خود نیز حضور خواهد داشت. «نظریهٔ بینامتنیت بر این باور است که هر متنی بر پایهٔ متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد. هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت گردد. بنابراین در تولید و دریافت یک متن همواره

پیش‌متن‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند. به بیان دیگر بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی‌شود» (نامور مطلق، کنگرانی، ۱۳۸۸: ۷۹). به هر حال بینامتنیت موجب نوشتن و تازگی یک متن می‌شود و آن را در لباسی جدید جلوه می‌دهد و بر جذابیتش می‌افزاید.

ژرار ژنت محور بینامتنیت را حضور هم‌زمان دو یا چند متن و نیز حضور بالفعل یک متن در متن دیگر می‌داند و به روابط تأثیر و تأثر متن‌ها می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۲۰). او مناسبات میان متون را ترامتنیت می‌نامد و آن را به پنج دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: بینامتنیت، ورامتنیت، سرمتنیت، پیرامتنیت، زیرمتنیت. هریک از این انواع تقسیم‌بندی‌های دیگری را شامل می‌شود. «بینامتنیت و بیش‌متنیت به رابطه میان دو متن هنری می‌پردازد و سایر اقسام ترامتنیت به رابطه میان یک متن و شبه-متن‌های مرتبط با آن توجه دارد. به عبارت دیگر پیرامتنیت به رابطه میان یک متن و پیرامتن‌های پیوسته و گسسته آن اشاره دارد. فرامتنیت رابطه تفسیری یک متن نسبت به متن دیگر را مورد توجه قرار می‌دهد و سرمتنیت به رابطه میان یک متن و گونه‌ای که به آن تعلق دارد می‌پردازد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۳). بینامتنیت یکی از انواع ترامتنیت ژنت است و شامل «حضور هم‌زمان دو یا چند متن و حضور بالفعل یک متن در متن دیگر می‌شود» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

هرچند نظریه بینامتنیت موضوعی تازه و نوین قلمداد می‌شود، اما در ادبیات فارسی و عربی بدون سابقه نیست؛ «تفکر ارجاع بینامتنی را در همه جا و از جمله مطالعات نقد ادبی و زبانی خودمان با نام-ها و مفهوم‌های متفاوت می‌بینیم؛ تلمیح، انتحال، شان نزول، مقام، مقال، شیوه روایت تو در تو یا متن در متن شرقی و ایرانی، نقش احادیث، اخبار، روایات، نصرانیات و اسراییلیات در تفسیر قرآن...» (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

یکی از مشخصه‌های عمده متون دوره اسلامی استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث است. این شاخصه یعنی استفاده از سخن وحی و احادیث در زبان فارسی به تبعیت از ادبیات عرب صورت گرفته است. این کاربرد در سبک عراقی به اوج خود می‌رسد اگر چه قبل از آن هم استفاده از آیات قرآن در آثار وجود دارد، اما نقطه عطف این استفاده به قرون هفتم و هشتم می‌رسد. نویسندگان در ابتدا از آیات و احادیث برای اعتبار بخشیدن و اقامه حجت به نوشته خود بهره می‌بردند اما به مرور زمان و آشنایی بیشتر آنها با زبان و ادبیات عرب و معارف اسلامی، قرآن در آثار ادبی کاربرد هنری و

زیتی یافت؛ به عبارتی اقتباس از قرآن در متون نثر ادب فارسی، ابتدا، بیشتر برای تاکید و تقویت بود و نویسنده کلام خود را با استفاده از آیات قرآن مستند می‌کرد؛ اما از قرن ششم به بعد و با رواج نثر مسجع و فنی، از آیات قرآن برای تزیین سخن و ابراز هنرمندی استفاده شد. (ر.ک. خطیبی، ۱۳۷۵: ۱۹۷-۲۰۸)

یکی از آثاری که به زیبایی و به‌گونه‌های متنوع از آیات قرآن استفاده کرده، طرب المجالس است. برای کشف پیوندهای آشکار و نهان میان طرب المجالس و قرآن از شیوه پژوهشی تطبیقی مبتنی بر توصیف و تحلیل روابط بینامتنی این دو متن بهره برده می‌شود که بر مبنای بینامتنیت ژرار ژنت است. این پژوهش می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- طرب المجالس به چه میزان و چگونه با قرآن رابطه بینامتنی برقرار کرده است؟
- انگیزه‌ها و نیات مؤلف از برقراری گفتگو و رابطه با قرآن چیست؟

پیشینه

درباره نظریه بینامتنیت، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالات بسیاری تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به مقالات بهمن نامور مطلق (۱۳۸۶) با عناوین «مطالعه ارجاعات درون متنی در مثنوی با رویکرد بینامتنی» و «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» اشاره کرد. در مقاله اخیر نویسنده انواع ارتباط متون از منظر ژرار ژنت را بررسی کرده است. نیز کتاب «درآمدی بر بینامتنیت؛ نظریه‌ها و کاربردها» (۱۳۹۰) از همین نویسنده به تاریخچه نظریه‌ها اشاره کرده، کاربردهای ارتباط متون را تشریح می‌کند. فرهاد ساسانی (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «بینامتنیت پسینه و پیشینه نقد بینامتنی» نظریه بینامتنیت در غرب و در بلاغت اسلامی را بررسی کرده است.

نیز تاکنون درباره تأثیر قرآن در متون ادب فارسی تحقیقات متعددی انجام شده است که کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» نوشته علی اصغر حلبی (۱۳۷۷) و کتاب «در قلمرو آفتاب» اثر علی محمد مودنی (۱۳۷۵) و کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» تألیف سید محمد راستگو از آن جمله‌اند. مورد تأثیر قرآن در آثار شاعران و نویسندگان هم تحقیقات زیادی انجام شده و کتابهایی همچون؛ شاهنامه، مثنوی مولوی، گلستان سعدی، دیوان حافظ، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و... از این منظر بررسی شده‌اند.

در زمینه کاربست نظریه بینامتنیت ژنت در آثار ادبی هم می‌توان به مقاله «تحلیل روابط بین متنی قرآن و غزل‌های صایب بر اساس نظریه ژنت» نوشته جلال عباسی و محمد آهی (۱۳۹۷) و مقاله «تجلی آیات الهی در اشعار سنایی براساس نظریه ژنت» از احمدرضا یلمه‌ها و مسلم رجبی (۱۳۹۶) اشاره کرد. اما درباره ارتباط بینامتنیت قرآن با طرب‌المجالس تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۱- بحث و بررسی

۱-۱- معرفی طرب‌المجالس

امیر فخرالسادات حسین بن عالم بن حسن حسینی غوری هروی ملقب به سید رکن‌الدین، معروف به امیرحسینی یا حسینی سادات و متخلص به حسینی، از عارفان و شاعران و نویسندگان قرن هفتم و هشتم هجری است. او نویسنده‌ای سرشار از ذوق و هنر و آشنا با آیات و احکام قرآن است. هفده پرسش منظوم مشهور او، زمینه‌ساز سرایش اثر ارزشمند متصوفه، گلشن راز شیخ محمود شبستری شد و نام و آوازه‌اش را در تاریخ عرفان و تصوف ماندگار کرد. از این شاعر و نویسنده، آثاری به نظم و نثر بجا مانده است؛ آثار منظوم او عبارتند از: زادالمسافرین، کنزالرموز، سی‌نامه، دیوان قصاید، غزلیات، ترجیعات، مقطعات، رباعیات و طرح سؤالات گلشن راز. آثار مثنوی او عبارتند از: زهه‌الارواح، صراط‌المستقیم، روح‌الارواح، طرب‌المجالس (سعید نفیسی از این کتاب با نام زهه-المجالس یاد کرده است). (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۶۹)

طرب‌المجالس، اثری اخلاقی و تعلیمی است. این کتاب آمیزه‌ای است از نثر مسجع و نظم، توأم با بیانی دلپذیر که به سبک نوشتاری خواجه عبدالله انصاری تألیف شده است. (ترابی، ۱۳۷۱: ۱۵). طرب‌المجالس با نثری روان، مشتمل بر موضوعاتی از قبیل اخلاقی - حکمی موعظه و معارف اسلامی و مستند به آیات قرآن و احادیث نبوی، در پنج قسم و پنجاه و پنج فصل ترتیب یافته است. در این کتاب مانند سایر تألیفات و کتاب‌های میرحسینی هروی مباحث و تعالیم عرفانی، اخلاقی و تعلیمی فراوانی به چشم می‌خورد که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی خاصی است که از زمان حمله مغول به مناطقی از ایران، خراسان و عراق عجم به وجود آمده بود و این تعالیم بیشتر در جهت اصلاح احوال و اخلاق جامعه آن روزگار ارائه می‌شد تا شاید بتواند مرهمی بر زخم‌هایی باشد که شمشیرهای بُران

مغولان و اقوام تاتار بر پیکره اجتماع وارد کرده بود. به همین دلیل بسیاری از مباحث و قسم‌ها و فصول این کتاب به بیان و شرح اخلاق حمیده و نهی و رد اوصاف ذمیمه با زبانی ساده و دلپذیر و لحنی تعلیمی و ارشادی به همراهی اشعار تمثیلی و استناد و تضمین به آیات و احادیث نبوی پرداخته است. این کتاب محصول دوره‌ای است که نثر فارسی به واسطه استفاده از زبان و ادبیات عرب به-خصوص آیات قرآن و احادیث در نقطه اوج تکامل است.

در این کتاب دویست و پنجاه و یک بار از آیات قرآن استفاده شده است و این رقم به جز ترجمه و یا اشارات پوشیده است. این دویست و پنجاه و یک آیه از شصت و سه سوره بوده است که بیشترین بسامد استفاده، مربوط به آیات سوره بقره با تعداد هشت و پس از آن سوره‌های اعراف، اسراء، نساء، انعام، نحل و انبیاء است. از لحاظ مکی و مدنی بودن سوره‌ها پرکاربردترین آنها سوره‌های مکی است. هروی از آیات شصت و چهار سوره مکی و نوزده سوره مدنی بهره برده است که با توجه به کاربرد بیشتر سوره‌های مکی و ویژگی‌های خاص این سوره‌ها، درمی‌یابیم که هدف هروی در تالیف این کتاب آموزش و تعلیم اصول دین و آگاه کردن مردم به این اصول است. در ویژگی‌های سوره‌های مکی آمده است که در این سوره «پیامبر به شرک و بت پرستی و شبهاتی که بهانه اهل مکه در اصرار بر شرک و بت پرستی بود، سخت حمله کرد و برای آنها دلایل گوناگون آورد و فطرت آنها را به قضاوت دعوت کرد و بهترین مثالها را برایشان زد؛ وقتی عناد ورزیدند و به روش پدرانشان استناد نمودند، آنها و پدرانشان را به بی‌خردی سرزنش کرد و این تقلید کورکورانه را تصحیح نمود و عقاید ناشی از بت-پرستی، مثل انکار نبوت و معاد و مسئولیت و پاداش را فروکوبیده، مردم را به سوی توحید راعنمایی نمود و همچنین عادات زشت آنها مثل قتل، خونریزی، زنده به گور کردن دختران و خوردن مال یتیم را محکوم کرد. سپس اصول اخلاق و حقوق اجتماعی را برایشان شرح داد و از کفر و فسق و جهل ظلم و خشونت در گفتار، تصویری زشت ترسیم نمود و ایمان، اطاعت، نظم، علم، محبت، رحمت، احترام به دیگران، نیکی به پدر و مادر، احترام به همسایه و عفت در کلام را در نظرشان زیبا ترسیم نمود» (زرقانی، ۱۴۰۹: ۲۰۵). نیز در این سوره‌ها استناد به سرگذشت و قصص انبیاء فراوان است. (حاجی میرزایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۴۶) بهره‌گیری هروی از بیشتر این قاعده‌ها در طرب المجالس دیده می‌شود خاصه آن که در بین صنایع ادبی تلمیح بسامد چشم‌گیری دارد.

۲- بررسی رابطه بینامتنی طرب‌المجالس با قرآن

دیدگاه ژنت به بینامتنیت بر مبنای هم‌حضور است. یعنی بخشی یا عنصری از پیش‌متن‌ها در متن دیگر حضور دارد. او در مقدمه کتاب «الواح بازنوشتی» درباره بینامتنیت می‌نویسد: «من به نوبه خودم آن را بی‌شک، شیوه‌ای محدود به وسیله یک رابطه هم‌حضور میان دو یا چندین متن تعریف می‌کنم؛ یعنی به طور اساسی و اغلب با حضور واقعی یک متن در متن دیگری» (Genette, 1997: 2).

بینامتنی مشتمل بر سه رکن اساسی است: متن حاضر، متن پنهان و عملیات بینامتنی. متن حاضر: اولین عنصر پدیده بینامتنی است و همان متنی است که پیش روی خواننده است و در تعامل با متن دیگر قرار گرفته و خواننده درصدد یافتن منشأ و مرجع این متن است. متن غایب: در بینامتنیت، هر متنی ممکن است مبتنی بر یک یا چند سند باشد که برای فهم و تحلیل آن باید به آن اسناد ارجاع داد؛ این متن ارجاعی که متن اصلی را تفسیر می‌کند «متن غایب» است. متن غایب باعث تولید متن اصلی می‌شود؛ بنابراین متن غایب همان متنی است که مؤلف یا شاعر در اثر خود، آثار و نشانه‌هایی از آن را نمایان می‌کند و این آثار و نشانه‌ها می‌تواند به اشکال مختلف در نوشته او وجود داشته باشد. عملیات بینامتنی: انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، است که تبیین آن مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. (فائمی و محقق، ۱۳۹۰، ص ۵۴).

در این پژوهش، متن قرآن به‌عنوان متن غایب و متن طرب‌المجالس به‌عنوان متن حاضر و روابط بینامتنی قرآن با طرب‌المجالس به‌عنوان عملیات بینامتنی محسوب می‌شوند. ژرار ژنت بینامتنیت را به سه نوع صریح - تعددی، پنهان - تعددی، و ضمنی تقسیم می‌کند. (نامور مطلق، ۱۳۸۶ الف: ۸۸).

۲-۱ بینامتنیت صریح

اولین نوع بینامتنیت، بینامتنیت صریح است. بینامتنیت در «صریح‌ترین و لفظی‌ترین شکلش عمل سستی نقل قول (با ارجاع یا بدون ارجاع) است» (Genette, 1997: 2). بینامتنیت صریح بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است؛ به عبارت روشن‌تر، در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم قصد ندارد مرجع متن خود یعنی متن اول را پنهان کند. به همین دلیل به نوعی می‌توان حضور متن دیگری را در آن مشاهده کرد. در صریح‌ترین و لفظی‌ترین شکلش عمل سستی نقل‌قول با گیومه و با یا

بدون ارجاع است. «در نقل قول، مؤلف متن دوم بینامتن را متمایز می‌کند، به شکلی که می‌توان حضور یک متن دیگر را در آن مشاهده کرد. نقل قول را می‌توان به دو دسته بزرگ نقل قول با ارجاع و نقل قول بدون ارجاع تقسیم کرد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶ الف: ۸۸).

در بلاغت اسلامی این نوع بینامتنیت با عنوان «تضمین» شناخته می‌شود؛ البته برای آن، گونه‌هایی فرعی و جزئی‌تر مانند اقتباس، حل، درج و... نیز تعریف کرده‌اند. این تقسیم‌بندی جزئی بلاغیون، بیانگر توجه دقیق و جزءنگر ایشان به نقد ادبی و شیوه‌های اثرپذیری متون از یکدیگر است (صباعی، ۱۳۹۱: ۶۳). اقتباس و تضمین آنست که نویسنده عبارات قرآنی را با همان ساختار عربی و به صورت یک جمله کامل در ضمن سخن خود می‌آورد. همایی در تعریف این آرایه گفته است: «آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال» (۱۳۷۷: ۳۸۴). اهداف نویسنده در تضمین شامل تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تحلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و ... می‌شود.

«از دیدگاه نقد ادبی، صرف بینامتنیت آشکار و تعمدی مانند تضمین مصرح و گونه‌های فرعی تضمین چندان جلوه هنری ندارد و زیبایی آن در گرو چند عامل است. خلاقیت هنرمند در احضار بهنگام متن پیشین؛ غافلگیر کردن مخاطب و اعجاب او، پیوند با سنت ادبی، پیوند بدیع و مبتکرانه میان متون پیشین و حاضر...» (صباعی، ۱۳۹۱: ۶۴). امیرحسینی هروی با تکیه بر آشنایی بسیار با آیات و آموزه‌های قرآنی، سخنان خود را با بیان یک آیه کامل یا بخشی از یک آیه آراسته کرده و به کلام خود عمق و تشخیص بخشیده است. در کتاب طرب‌المجالس در نوعی از اقتباس آیه قرآن بدون هیچ گونه فاصله‌ای با عبارات فارسی ذکر می‌شود، گویا خود جزئی از آن عبارت است، به گونه‌ای که تا خواننده با معنا، تفسیر و مفهوم آیه درج شده در جمله آشنا نباشد، به رمزگشایی بین آیه و عبارات دست نمی‌یابد. بنابراین برای رمزگشایی نیاز به یک ارتباط سه سویه است: خواننده، متن، آیه. با توجه به تفاوت زبان متن حاضر (طرب‌المجالس) و متن غایب (قرآن) استعمال یک آیه به عنوان بخشی از متن فارسی کاری دشوار و نیازمند مهارت خاص است که امیرحسینی از این مهارت برخوردار است.

آیات در متن کتاب نقشهای مختلف دستوری را پذیرفته‌اند. گاه آیه، در نقش مفعولی قرار می‌گیرد، گاه مضاف الیه، گاه مسند و ... این نقشها پیوند معنایی و ارتباط مفهومی را ایجاد می‌کند. یکی از کاربردهای آیات قرآن، ذکر آنها در نقش مضاف الیه است:

«غواص قدرت لایزالی به اشارت امر قوت و کمال را بر فعل پیوست و از حدت "وَأِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ" [حجر/ ۲۱] جوهر روح اعظم را استخراج کرد» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۸). معنی آیه: «و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست.»

«این جمله در دبیرستان حکمت از تلقین عنایت بر تکرار سبق "وَأِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ" [اسرا/ ۴۴] ارزانی فرمودند» (همان: ۱۱) معنی آیه: «و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گوید.»

«اگر قهر سیاست را آن قوت نبودى نفس را دفع آشوب "بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ" [بقره/ ۲۴] میسر نگشتی و عقل را تدبیر "وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ" [اعراف/ ۲۴] صواب نمودی» (همان: ۵۱) معنی آیات: «بعض شما از برای بعض دیگر دشمن هستید.» «و زمین تا هنگامی معین (یعنی وقت مرگ و قیامت) جایگاه شماست.»

«از بهشت به حکم خطاب "اهْبِطُوا مِنْهَا" [بقره/ ۳۸] ساکن عالم سفلی گشت» (همان: ۵۰) معنی آیه: «همگی از آن، فرود آید!» آیات در جملات بالا در نقش اضافه توضیحی ذکر شده‌اند.

«ای بلبل آشیانه انس و ای عندلیب چمن قدس چون در صحن باغ "بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ" [مائده/ ۶۷] آواز برگشایی و در فضای هوای "وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ" [۳/ نجم] در پرواز آیی...» (همان: ۳۶). معنی آیات: «آنچه را از ناحیه پروردگار به تو نازل شده برسان» «و از سر هوس سخن نمی‌گوید.» این نوع اقتباس از آیات قرآن کاربرد بلاغی و جنبه زیبایی‌شناسی دارد و باعث آشنایی-زدایی می‌شود.

«فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ» [۳۸/ فصلت] در شان ایشان است. به انواع تسبیح و تمجید و تکبیر زبان گشاده گشت...» (همان: ۹). معنی آیه: «پس اگر کافران (از پرستش خدا) تکبر و بزرگ منشی ورزند فرشتگان (و قوای بی‌نهایت عالم بالا) که نزد خدایند شب و روز بی‌هیچ خستگی و ملال به تسبیح و طاعت حضرت حق مشغولند.» آیه در نقش مسندالیه قرار دارد.

«آخر بیندیش "لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٗ قَائِتُونَ" [۱۱۶/ بقره] چه معنی دارد؟» (همان: ۹۹) معنی آیه: «هر چه در آسمانها و زمین است ملک اوست و همه فرمانبردار اویند.» آیه در نقش نهاد واقع شده است. همچنین است در جمله زیر:

«عزیز من "وَوَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ" [۱۱۵/ انعام] از حقیقت این ماجرا خبر می‌دهد» (همان: ۱۳۸). معنی آیه: «و سخن پروردگارت از روی راستی و عدل کامل شد، سخنان او را تغییر دهنده‌ای نیست؛ و او شنوا و داناست.»

«حق جل و علا در کلام مجید از حال بندگان خود خبر داد و فرمود: "مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ" [۱۲۵/ آل عمران]» (همان: ۲۰) معنی آیه: «برخی جهت دنیا و برخی جهت آخرت می‌کوشیدید.» آیه در این جمله در نقش مفعول قرار دارد و برای تبرک و تبیین و تحلیل و توجیه آمده است.

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى [۱۷/ انفال] حقیقت این معنیست» (همان: ۱۲۹). معنی آیه: «و (ای رسول) چون تو تیر (یا خاک) افکندی نه تو بلکه خدا افکند (تا کافران را شکست دهد)» آیه در این جمله در نقش مسندالیه است.

- به صورت جمله معترضه به قصد تأیید و تأکید کلام

«جهل این قوم تا به حدی است که خود را بی‌هیچ شبهت از اولیای حق تصور کنند و همیشه با جهال دیگر کرامت فروشنند. "انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ" [۵۰/ نسا]» (همان: ۴۴). معنی آیه: «بنگر چگونه بر خدا دروغ می‌بافند!» در این جمله نقل قول جنبه تشویق و تحذیر دارد.

- توصیف یا تشریح معنی قبل

«مردم از آن طایفه گردند که "ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا" [۱۰۴/ کهف]» (همان: ۱۴۴). معنی آیه: «(زیانکارترین مردم) آنها هستند که (عمر و) سعی‌شان در راه دنیای فانی تباہ گردید و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند.»

«هر که قرآن‌صفت نیست امام بحق نیست. قرآن‌صفت چیست؟ "يَهْدِي لِئَلَىٰ هِيَ أَقْوَمٌ" [۹/ اسرا] صفت رسول چه بود؟ "وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ" [۵۲/ شوری]» (همان: ۱۵۴) معنی آیات: «راه می‌نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند.» «و اینک تو (که به نور وحی ما هدایت یافتی خلق را) به راه راست هدایت خواهی کرد.»

- با «که» حرف ربط برای توضیح و تبیین

«از طریق ظاهر خطاب دنیا هم از آن نوع آمد که خطاب ابلیس که "يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ" [۳۲/حجر] یا "مَا مَنَعَكَ" [۱۲/اعراف] «(همان: ۱۵) معنی آیات: «ای شیطان، برای چه تو..» «چه چیز تو را مانع از ..»

«هرآینه ارادت دنیا از آنجا پدید آید که "يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ" [۷/روم] «(همان: ۲۱). معنی آیه: «(اکثر) آنان به امور ظاهری از زندگی دنیا آگاهند و از عالم آخرت (و وعده ثواب و عقاب حق) به کلی بی‌خبرند.»

در این نوع از اقتباس آیه با حرف ربط «و» یا «که» به نثر فارسی می‌پیوندد و بیشترین بسامد را در طرب‌المجالس دارد. «در این نوع که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید، آیات و احادیث نه تنها از جهت لفظ بلکه از نظر معنی نیز با اتساق و اتصال کامل به دنبال عبارات فارسی آورده می‌شوند» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۰۳).

- برای تایید و تاکید معانی قبل

«و مرشد و ناصح امت می‌بودند چنانچه در کلام مجید آمده: "جَعَلْنَاَهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا" [۷۳/انبیاء] «(امیرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۳۶). معنی آیه: «و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند.»

همانطور که در مثال مذکور مشاهده می‌شود، نویسنده در اثبات نظر خود به آیه قرآن استناد و استشهاد کرده است؛ «زیرا قصد او تاکید در پذیرش سخن و القای دلایلی است که موجه بودن ادعا را از همه جهات اثبات کند و شنونده یا خواننده را به یقین رساند» (راشدمحصل، ۱۳۸۰: ۵۴).

- برای تتمیم معنی نیمه تمام عبارت فارسی

«فجور و فسق صفت اهل ایمان نیست تا بدانی که از کافر و مشرک اگر از جنس این اخلاق صفتی به رسم و عادت صادر شود در میزان عقل هیچ نسجد "وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنُ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّتَّوْرًا" [۲۳/فرقان] «(میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۱۴۲). معنی آیه: «و ما توجه به اعمال (فاسد بی‌خلوص و حقیقت) آنها کرده و همه را (باطل و نابود چون) غباری پراکنده می‌گردانیم.»

«آدم صفی زنده شد، تاج کرامت بر سر و قبای عزت در بر. بر سریر خلافت مطلق العنان بنشست. جمع ملائکه را صفت او نمودند "فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ" [۲۹/حجر] ابلیس صورتی دید "ابى وَاسْتَكْبَرَوَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ" [۳۴/بقره] بعد خراب البصره ذریه آدم را همین واقعه پیش آمد، انبیا و رسل چون به تعلیم ایشان مامور شدند، بعضی صفت دیدند و بعضی صورت "مِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ" [۲۵۳/بقره]» (همان: ۳۱)

در انواع و شکل‌های مختلف تضمین، این نوع «دشوارترین و دقیق‌ترین اقسام آن است... و بیشتر در مواردی به کار می‌رود که عبارت عربی بی‌هیچ‌گونه قطع و انحرافی، معنی عبارت فارسی را پی‌گرفته و بیان می‌کند» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۰۱).

برای درک و تشخیص پیوندهای بینامتنی باید مخاطب دریابد در بینامتنی تکوینی پشتوانه فرهنگی هنرمند و دانش و توانایی وی در بهره‌گیری از سرچشمه‌های گوناگون فرهنگی چیست و چقدر است و این سرچشمه‌ها کدامند. (صباغی، ۱۳۹۱: ۶۳) نویسنده طرب المجالس بین متن حاضر و متن غایب (قرآن) به شیوه‌ای هنرمندانه ارتباط ساختاری و معنایی ایجاد کرده است. او در استفاده به موقع از آیات قرآن چنان خلاقانه عمل کرده و میان متن قرآن و متن حاضر پیوند ایجاد می‌کند که علاوه بر اقناع مخاطب، باعث جلوه زیباتر آیه قرآن در متن می‌شود.

استفاده از واژگان، اصطلاحات و ترکیبات متن غایب در متن حاضر یکی دیگر از شیوه‌های ایجاد روابط بینامتنی صریح است. بدین ترتیب برخی از واژه‌های قرآنی با همان ساختار و بدون دخل و تصرف به متن طرب المجالس راه یافته‌اند؛ واژگانی از قبیل لم یزلی، تسویه نفس، نفخ روح، غیب، شهادت، قلم، لوح، اصحاب یمین، حور، اصحاب شمال، زبانیه، فرقان و اعلام قرآنی از قبیل یوسف، یعقوب، قارون، عیسی، عاد، شداد، زلیخا، ذوالقرنین، ثمود، ابراهیم، ابلیس و آدم از آن جمله‌اند.

۲-۲- بینامتنیت ضمنی

گاهی نویسنده متن قصد پنهان‌کردن بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را استفاده می‌کند که به کمک آنها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و به مرجع آن نیز پی برد. «اما این عمل هیچ‌گاه به صورت صریح انجام نمی‌گیرد و به دلایلی و بیشتر به دلایل ادبی به اشارات ضمنی بسنده می‌شود. بنابراین بینامتنیت ضمنی نه همانند بینامتنیت صریح مرجع خود را اعلام می‌کند و نه همانند

بینامتنیت غیرصریح سعی در پنهان‌کاری دارد. به همین دلیل، در این نوع بینامتنیت عده خاصی یعنی مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول یعنی متنی که مورد استفاده قرار گرفته است، آگاهی دارند، متوجه بینامتن می‌شوند. مهم‌ترین اشکال این نوع بینامتن کنایات، اشارات، تلمیحات و ... است. ژنت در این خصوص می‌گوید: بینامتنیت در کمترین شکل صریح و لفظی‌اش، کنایه است؛ یعنی گفته‌ای که نیاز به ذکاوت فراوانی دارد تا ارتباط میان آن متن و متن دیگری که ضرورتاً بخش‌هایی را به آن بازمی‌گرداند، دریافت شود» (نامور مطلق، الف، ۱۳۸۶: ۸۹).

نتیجه بررسی تطبیقی بینامتنی ضمنی ژرار ژنت با بلاغت اسلامی را می‌توان چنین نشان داد:

بینامتنی ضمنی: برخی از آرایه‌های ادبی و تأثیرپذیری	
آرایه‌های ادبی	۱. تلمیح، ۲. ارسال‌المثل، ۳. تصویر آفرینی الهامی.
انواع تأثیرپذیری	۱. وام‌گیری، ۲. ترجمه، ۳. اقتباس، ۴. الهام‌گیری و بازآفرینی.

(صبغی، ۱۳۹۱: ۶۸)

در طرب‌المجالس، حسینی هروی گاهی به‌گونه‌ای از آیات قرآن بهره برده که تنها خواننده مانوس با قرآن می‌تواند به وجود این رابطه بینامتنی پی برد. در این نوع بینامتنیت، معمولاً مؤلف با ارائه نشانه‌هایی مخاطب را یاری می‌کند تا به مرجع اصلی (قرآن) پی ببرد. وسعت اندیشه امیرحسینی و ذهن وقاد او باعث شده اشارات و تلمیحات، مهم‌ترین شکل‌های بینامتنیت ضمنی در این کتاب باشد. «از منظر بینامتنی تلمیح در دو محور افقی و عمودی عمل می‌کند. در رابطه افقی که مشترک بین شاعر و مخاطب است، این داستانها به بیان دانش و معرفت‌های مشترک بین خواننده و شاعر می‌پردازند و در محور عمودی هم بیانگر پیوند متن حاضر با متنهایی مثل قرآن است» (عباسی، آهی، ۱۳۹۷: ۱۴۲). در ادامه به شواهدی از تلمیحات قرآنی اشاره می‌شود:

«جوانمردا بر حقیقت دنیا اطلاع یافتن نه کار هر بوالفضولست اما اگر بر اوصاف او واقف شوی تو را یقین گردد که او خرده‌فروشی است که در دکان او جز متاع غرور نیست و معامله با او کردن جز لعب و لهو نی» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۱۶). اشاره و تلمیح دارد به آیات «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ

الْعُرُورِ» [آل عمران/۱۸۵، حدید/۲۰] «و باری، بدانید که زندگانی دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست.» و «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ» [حدید/ ۲۰] «بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو.»

«آدم صفی زنده شد تاج کرامت بر سر و قبای عزت در بر» (همان: ۳۱) اشاره و تلمیح دارد به آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» [اسرا/ ۷۰] «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.»

این نوع تلمیح را که ذهن شاعر یا نویسنده تنها تاثیری از آیه پذیرفته و عین آیه را ذکر نکرده است بهترین نوع تلمیح گفته‌اند. (حلبی، ۱۳۷۷: ۴۸)

نوعی دیگر از تلمیح در این کتاب اشاره به داستانهای قرآنی بویژه داستان پیامبران است؛ مثلا در متن زیر به داستان سلیمان و آیاتی از سوره نمل اشاره دارد:

«بر تسبیح بهایم و منطق طیور وقوف یافت و کره توسن باد نرم و رام او شد و جن و انس و سباع و وحوش را مطیع و منقاد او ساختند» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۶۸) آیات مرتبط: «و وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَحَشِيرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» [۱۶-۱۷ / نمل] «و سلیمان وارث (ملک) داود شد (و مقام سلطنت و خلافت یافت) و گفت: ای مردم، ما را زبان مرغان آموختند و از هرگونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش آشکار است.»

در دو متن زیر هم به داستان کشته شدن هابیل به دست قابیل و راهنمایی کلاغ برای دفن هابیل اشاره می‌کند:

«در کوه دماوند کلاغی است پیر و معتبر و از حقایق و دقایق امور با خبر بسیار شربت شداید ایام چشیده و ضربت مکاید ایام کشیده از عهد قابیل قابلیت قبول بزرگان یافته» (همان: ۷۰). آیه مرتبط: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِثُ سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ» [۳۱/مانده] «آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال حفر نماید تا به او

بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان کند. (قابیل) گفت: وای (بر من) آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟ پس (برادر را به خاک سپرد و) از این کار سخت پشیمان گردید.»

«رسم زدن و آیین کشتن از دور هابیل و قابیل ظاهر شده است» (همان: ۱۰۹). آیه مرتبط: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» [۳۰/مائده] «آن گاه (پس از این گفتگو) هوای نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران گردید.»

در شیوه‌ای دیگر از بینامتنیت ضمنی نویسنده پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها را از قرآن می‌گیرد. یعنی اصل و اساس این واژه‌ها از قرآن است و نویسنده واژه یا ترکیب قرآنی را به همان ساختار عربی و بدون هیچ دخل و تصرفی وارد متن می‌کند.

«دنیا نجاستی است غلیظه که اندک او در بسیار اثر دارد. شجری است خبیثه که نی بیخ و بر دارد...» (همان: ۱۶). شجر خبیثه برگرفته از آیه: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» [۲۶/ابراهیم] «و مثل کلمه کفر (و روح پلید) مانند درخت پلیدی است که ریشه‌اش به قلب زمین نرود بلکه بالای زمین افتد و (زود خشک شود و) هیچ ثبات و بقایی ندارد.»

«بضاعت مزجات خلاف و خیانت را رونقی و رواجی پدید آید...» (همان: ۱۹). برگرفته از آیه: «وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» [۸۸/یوسف] «ما با همه اهل بیت خود به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتار شدیم و با متاعی ناچیز و بی‌قدر (حضور تو) آمدیم، پس بر قدر احسانت نسبت به ما بیفزا و از ما به صدقه دستگیری کن، که خدا صدقه بخشنندگان را نیکو پاداش می‌دهد.»

«عقل کیست که چون در عواقب امور به عین‌البقین نظر کند و از صادر و وارد این منهل به تحقیق دراندیشد خود را به عذب فرات و ملح اجاج او ملتفت ندارد.» (همان: ۲۴). برگرفته از آیه: «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا» [۵۳/فرقان] «او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد؛ یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می‌گوید: دور باش و نزدیک نیا!»

«اما اخوان شیاطین که "يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا" در حسب حال ایشان است مطلق این قوم را می‌دان» (همان: ۴۰). برگرفته از آیه: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» [اسرا/ ۲۷] «که مبدران و مسرفان برادران شیطانهایند، و شیطان است که سخت کفران (نعمت) پروردگار خود کرد.» در این شیوه بینامتنیت گاهی نویسنده طرب‌المجالس از ترجمه واژه یا ترکیب قرآنی بهره می‌گیرد؛ مانند: «و همه بر خط مستقیم ایمان و توحید ثبات یافته و در این کارخانه ها همه برادر یکدیگرند.» اشاره به آیه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» [۱۰/حجرات] «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید.»

۲-۳- بینامتنیت غیر صریح

سومین نوع بینامتنیت، بینامتنیت غیر صریح و پنهان است. در این گونه از بینامتنیت، متنی به صورت پنهان در متن دیگر حضور دارد اما مرجع بینامتن در آن مشخص نیست. یعنی شاعر یا نویسنده، آگاهانه عناصر یا بخش‌هایی از متن دیگر را در متن خود می‌آورد، بدون آنکه به منبع خود اشاره کند. «بینامتنیت غیر صریح بیانگر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است. به عبارت دیگر، این نوع بینامتنیت می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند و این پنهان‌کاری به دلیل ضرورت‌های ادبی نیست، بلکه دلایلی فراادبی دارد. سرقت ادبی - هنری یکی از مهم‌ترین انواع بینامتنیت غیر صریح تلقی می‌شود» (نامور مطلق، الف: ۱۳۸۶: ۸۸).

در متن طرب‌المجالس این نوع بینامتنیت دیده نمی‌شود زیرا «سرقت ادبی در ارتباط با قرآن غیرممکن است؛ زیرا آشنایی مردم با آیات روح‌بخش قرآن زمینه‌انتساب آن را به اشخاص نمی‌دهد. بنابراین اکثریت قریب به اتفاق شاعران در شعر خود از تلمیح یا اقتباس به وفور استفاده کرده‌اند، بدون آنکه متهم به سرقت ادبی شده باشند» (یداللهی اصلان، مقبل، ۱۳۹۳: ۱۰۴۷).

نتیجه

در این پژوهش بر اساس رویکرد بینامتنیت ژرار ژنت، ارتباط قرآن و طرب‌المجالس تبیین شد. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که نویسندۀ طرب‌المجالس آگاهانه و با تعمد با قرآن رابطه بینامتنی برقرار کرده است و از این کتاب آسمانی در جهت اهداف اصلی کتاب از جمله تعلیم آموزه‌های اخلاقی بهره برده است.

براساس نظر ژرارژنت سه نوع بینامتنیت صریح، غیر صریح و ضمنی وجود دارد که با بررسی متن کتاب مشخص شد که دو نوع بینامتنیت صریح و ضمنی در طرب‌المجالس دیده می‌شود. بیشترین بهره‌نویسنده از بینامتنیت صریح است که به شکل اقتباس از آیات قرآن به اشکال و دلایل مختلف از جمله؛ به صورت ترکیب اضافی، به طریق نقل قول و برای تبرک و تبیین، تحلیل و توجیه، به صورت جمله معترضه به قصد تایید و تاکید کلام، توصیف یا تشریح معنی قبل، به صورت تشبیه و تمثیل، با "که" حرف ربط برای توضیح و تبیین، برای متمیم معنی نیمه تمام عبارت فارسی صورت گرفته است. کنایات و اشارات و تلمیحات قرآنی نیز به عنوان بینامتنیت ضمنی در این کتاب کاربرد بسیار دارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
- ۲- آلن، گراهام (۱۳۸۰) بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- ۳- احمدی، بابک (۱۳۸۶) ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز.
- ۴- ترابی، سید محمد (۱۳۷۱). مثنویهای عرفانی امیر حسینی هروی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۵- حاجی میرزایی، فرزاد (۱۳۷۷) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان و ناهید.
- ۶- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۷) تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: اساطیر.
- ۷- خطیبی، حسین (۱۳۷۵) فن نشر، چاپ دوم، تهران: زوار.
- ۸- راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۶)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۹- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۰) پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۰- رنجبر، جواد ؛ عربی، سجاد (۱۳۹۰). «بینامتنی اشعار بارودی با شعر جاهلی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، سال دوم، شماره اول، صص ۸۹-۱۱۹.
- ۱۱- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۰۹ق) مناهل العرفان فی علوم القرآن، شرح احمد شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۱۲- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳) «بینامتنیت پسینه و پیشینه نقد بینامتنی»، نشریه نقد و هنر، شماره ۵۶، صص ۱۷۲-۱۸۵.
- ۱۳- صباغی، علی (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۳۸، صص ۵۹-۷۱.
- ۱۴- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ایران، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۵- عباسی، جلال، آهی، محمد (۱۳۹۷) «تحلیل بینامتنی قرآن و غزل‌های صائب بر اساس نظریه ژنت»، نشریه پژوهش‌های ادب- قرآنی، سال ۶، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۵۳.

- ۱۶- قائمی، مرتضی؛ محقق، فاطمه (۱۳۹۰) «بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم، صص ۵۱-۵۹.
- ۱۷- کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱) کلام، مکالمه و رمان، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- ۱۸- میرحسینی هروی، امیرحسین بن امیرعالم (۱۳۵۲). *طرب المجالس*، به اهتمام علیرضا مجتهدزاده، مشهد: کتابفروشی باستان.
- ۱۹- نامور مطلق، بهمن و منیژه کنگرانی، (۱۳۸۸) از تحلیل بینامتنی تا تحلیل گفتمانی، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۲، صص ۷۳-۹۴.
- ۲۰- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶ الف). «مطالعه ارجاعات درون متنی در مثنوی با رویکرد بینامتنی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۴، صص ۴۲۹-۴۴۲.
- ۲۱- ----- (۱۳۸۶ ب) «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸.
- ۲۲- نفیسی، سعید (۱۳۶۳) *تاریخ نظم و نثر در ایران*، تهران: فروغی.
- ۲۳- یداللهی اصلان، ابوالفضل، مقبلی، مهناز (۱۳۹۳) «تبیین رابطه بینامتنیت با دیگر فنون بلاغی (اقتباس، تضمین و...)»، مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، همایش ملی بینامتنیت (التناصر)، قم: بنیان پویا پژوه اندیشه.
- ۲۴- فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: موسسه نشر هما -. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷)

25- Genette, Gerard. (1997). *Palimpsests, Literature in second degree*. Chana Newman and Claude doubling sky (trans). University of Nebraska Press, Lincoln NE and London.

Qur'anic Intertextuality in *Tarabol Majales* based on Gérard Genette's Theory¹

Elham Khodabakhshi²
Maryam Mahmoudi³
Parisa Davari⁴

Abstract

Intertextuality, which deals with the relationship and the interaction between texts, is one of the newest theories in new criticism, According to this theory, texts and their producers are influenced by each other and they consciously or unconsciously use the literary and intellectual origins of each other. It has long been common among Persian poets and writers to use Qur'anic concepts and teachings to add credibility and richness to their work. The literary and rhetorical aspects of the Qur'an along with the Qur'anic ethical concepts and teachings, have created the attraction of such attention. *Tarabol Majales* is one of the works of Persian prose belonging to the eighth century, which is one of the most considerable periods due to the influence of the Qur'an and hadith as well as Arabic literature on Persian literature. Using Qur'anic ayahs and hadith, the author of the book, Mirhossein Heravi, has been able to write his book containing ethical and

1 .Date Received: January 19, 2019; Date Accepted: June 10, 2019

2 .PhD Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Dehaghan; Email: elham.khodabakhshi03@gmail.com

3 .Corresponding author: Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Dehaghan; Email: m.mahmoodi75@ yahoo.com

4 .Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Dehaghan; Email: parisa.davarii@gmail.com

informative points. Throughout the book, one can see his familiarity and fondness of the Qur'an, religious and mystical teachings. The present descriptive-analytical paper aims to analyze this feature by using Gérard Genette's method of analyzing intertextuality. The results show that there are two types of explicit and implicit intertextuality in Tarabol Majales and Heravi has employed explicit intertextuality more frequently and in the form of adapting from Qur'anic ayahs in various forms and for different reasons.

Keywords: Tarabol Majales, Qur'anic ayahs, intertextuality, Gérard Genette

